

## صفات نفسانی عمل کننده (۳)

یکی دیگر از صفات نفسانی عمل کننده ، صفاتی هستند که مانع بسیاری از رذایل اخلاقی می شوند و عبارتند از :

۱- قوت نفس

۲- حلم و کظم غیظ

۳- حیا

۴- عفت

۵- صبر

### ۱. قوت نفس

ملکه ای نفسانی است که انسان را قادر می سازد تا حوادثی را که برای او پیش می آید، هر چند خطیر باشد، به خوبی تحمل کند.

امام صادق(ع) در این باره فرمود:

خداوند همه امور مومن را به خودش واگذار نموده است، ولی به او اجازه نداده است که خودش را خوار و ذلیل گرداند. آیا به این کلام خداوند نمی نگرید که فرمود: ولله العزه و لرسوله و للمومنین؟ «پس سزاوار است که مومن عزیز بوده و ذلیل نباشد».

**یک. آثار قوت نفس**

بزرگی و قدرت نفسانی نتایج بسیار سودمندی بر نفس به جای می گذارد که هر یک خود ملکه ای نفسانی اند. در مقابل، ضعف و سستی نفس، رذایل مختلف اخلاقی را در پی خواهد داشت .

الف- ثبات و عدم اضطراب: ثبات ملکه ای است نفسانی که انسان را قادر می سازد تا در خطرها وارد شود و در برابر سختی ها و دردها هر چند فراوان باشند، مقاومت کند، بدون این که شکستی بر او عارض گردد. بارزترین آنها ، ثبات در ایمان است.

ب- همت بلند: یعنی تلاش برای تحصیل سعادت و کمال و رسیدن به عالیترین امور، به طوری که در راه رسیدن به آنها اعتنایی به سود و زیان دنیوی ندارد. به صورتی که برای اهداف بزرگ از مرگ باکی ندارد.

ج- غیرت و حمیت: یعنی تلاش برای پاسداری از چیزی که حفظ آن لازم است. امام صادق (ع) فرموده است «خدای تبارک و تعالی غیرتمند است و هر غیرتمندی را دوست می دارد. از غیرتمندی او است که زشتکاری ها را از پیدا و پنهان، حرام فرموده است.» امام علی(ع) نیز فرمود « ارزش مرد به اندازه همت او است ... ودلیری او، به اندازه ننگ داشتن او است(از تن دادن به پستی ها و زبونی ها) و پاکدامنی او به اندازه غیرت او.»

**عالمان اخلاق برای غیرت، مجاری و موارد متعددی ذکر کرده اند:**

۱. غیرت در دین: لازمه غیر در دین آن است که در جهت حفظ آن در مقابل بدعت ها و اهانت ها تلاش کند، در مقابل شبهه پراکنی ها از آن دفاع شایسته نماید، در نشر و ترویج احکام آن بکوشد، و در امر به معروف و نهی از منکر مسامحه و سستی نورزد.



۲. غیر بر حریم و ناموس: در نصوص اخلاقی اسلام، مردان به شدت به چنین غیرت ورزی ترغیب و موظف شده اند. امام صادق (ع) فرمود: «بهشت بر مردان بی رگ و غیرت حرام شده است» و پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بوی بهشت از فاصله پانصد سال راه به مشام می رسد. اما فرزندان خلف و شخص بی رگ و غیرت آن را استشمام نمی کند». امام باقر (ع) نقل می کند که گروهی از اسیران را نزد پیامبر خدا (ص) آوردند. پیامبر (ص) دستور داد که از میان آنان یکی را آزاد و بقیه را بکشند. فرد آزاد شده پرسید: چرا مرا آزاد کردی؟ پیامبر پاسخ داد:

جبرئیل از جانب خداوند به من خبر داده است که در تو پنج خصلت وجود دارد که خداوند و رسول او آنها را دوست دارند: «غیرت شدید بر ناموس، سخاوتمندی، اخلاق خوش، صداقت در گفتار و شجاعت». فرد با شنیدن این کلام مسلمان شد و بر ایمان خود پایدار ماند، تا این که در غزوه ای به شهادت رسید.

۳. غیرت بر فرزندان: لازمه غیرت بر اولاد آن است که از ابتدای طفولیت نسبت به فراهم ساختن نیازهای مادی آنان از راه حلال تلاش کند و در جهت تربیت صحیح آنان بکوشد.

۴. غیرت بر مال: مال، ضامن بقای انسان در دنیا و ابزار و مقدمه تحصیل علم و عمل و سعادت اخروی است. بنابراین این بر هر عاقلی است که برای تحصیل آن از راه های مشروع بکوشد و پس از دستیابی به آن در حفظ و حراست از آن، غیرت ورزد. لازمه غیرت ورزی بر مال آن است که آن را جز در راهی که برای دنیا و یا آخرت او سودمند است، ضایع نکند؛ برای خودنمایی خرج ننماید؛ به بی نیازان واگذار نکند؛ در بذل و بخشش آن به راه اسراف نرود.

د- وقار و آرامش قلب: در فرهنگ اخلاق «وقار» عبارت است از آرامش در گفتار، کردار و حرکات، قبل از شروع و بعد از شروع در آنها. هر گاه فرد با زحمت و تکلف آرامش را بر گفتار و رفتار خویش حاکم گرداند، چنین شخصی را با وقار می نامند؛ ولی آرامش قلبی و سکینه هنگامی تحقق می یابد که آرامش به صورت یک صفت و ملکه در نفس او در آید. به دیگر سخن وقار، آرامش ظاهر و سکینه، آرامش باطن است.

بارزترین علل و اسبابی که برای تحصیل وقار و سنگینی در روایات به چشم

می خورد، به قرار زیر است:

۱. بندگی خداوند

۲. حکمت و علم

۳. حلم و خویشتن داری

۴. سکوت

۵. تواضع و فروتنی

مهمترین موجبات و اسباب آرامش قلب عبارتند از:

۱. ازدواج

۲. عدالت

۳. ایمان

۴. یاد خداوند

۵. رسیدن به حق



موانع رسیدن به وقار و آرامش قلب عبارتند از :

یک. درخواست از مردم: درخواست از مردم، زندگی انسان را با خواری توأم می کند، حیا را از بین می برد و وقار و سنگینی آدمی را سبک می گرداند.

دو. خنده و شوخی بسیار: کسی که خنده او فراوان گردد، شکوه و عظمت آن از میان برود.

سه. سرمستی از مال، قدرت، علم، ستایش و جوانی: زیرا این سرمستی عقل آدمی را زایل نموده وقار او را از بین می برد.

چهار. عجله کردن: عجله عبارت است از اقدام بر امور بدون توقف و تأمل در آنها.

### دو. آفات قوت نفس

مهمترین آفت قوت نفس «ضعف نفس» است که به نوبه خود دارای آثاری است. مراد از مداهنه، نرمش، سهل انگاری، مماشات و سستی در امر به معروف و نهی از منکر است. سستی و سازش در امر به معروف و نهی از منکر یا ناشی از ضعف نفس است و یا به دلیل طمع های دنیوی در مال و اعتبار کسی که نسبت به او سستی و سازش روا می دارد.

امام علی (ع) در این باره می فرماید: «سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه ورنند، یک لحظه مدارا و سستی نمی کنم». امام باقر (ع) می فرماید:

خداوند به حضرت شعیب (ع) وحی کرد که من ۱۰۰ هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم کرد. ۴۰ هزار نفر آنان از اشرار و ۶۰ هزار نفر از برگزیدگان آنها خواهند بود. حضرت شعیب پرسید: پروردگار من، جرم و گناه برگزیدگان و اخیار چیست؟ خداوند پاسخ داد: آنان در مقابل معصیت کاران سستی و نرمش به خرج دادند و به سبب خشم من بر آنها، خشمگین نشدند.



## ۲. حلم و کظم غیظ

«حلم» در لغت عرب به مفهوم تامل، تأنی، درنگ و عدم شتاب در امور است. «حلیم» کسی است که اگر چه حق با اوست ولی در مجازات جاهلان شتاب نمی کند و در مقابل هیجان خشم و غضب ناشی از رفتار جاهلانه شخص مقابل خویشتن داری می کند.

در قرآن کریم بیش از ده بار از حلم به عنوان یکی از صفات خداوند یاد شده است که در بیش از نیمی از این موارد «غفور» و «حلیم» با هم آمده است. منزلت حلم و خویشتن داری در نظام اخلاقی اسلام آن چنان بلند است که یکی از لوازم امامت و رهبری بر مردم دانسته شده است. رسول خدا (ص) می فرماید:

امامت و رهبری شایسته نیست، جز برای مردی که دارای سه ویژگی باشد؛ تقوایی که او را از نا فرمانی خدا باز دارد، حلم و خویشتن داری که خشمش را با آن کنترل کند و حکمرانی پسندیده بر مردم، به گونه ای که همچون پدری مهربان برای آنان باشد.

## الف- اسباب و موانع حلم و کظم غیظ:

در روایات از علم، عقل، فقه، تحکم، همت بلند و همنشینی با افراد حلیم و خویشتن دار به عنوان اسباب و موجبات حلم ورزی یاد شده است. در مقابل، از مواردی تحت عنوان موانع و آفات حلم و خویشتن داری یاد شده است که از جمله می توان به سفاهت، حماقت، عنف و خشونت، غضب و ذلت اشاره کرد.



**حیا:**

حیا در لغت به مفهوم شرمساری و خجالت است که در مقابل آن «وقاحت» و بی شرمی قرار دارد و منشا آن ترس از سرزنش دیگران است. بنابراین حیا دارای سه رکن اصلی است: فاعل، ناظر و فعل. فاعل، در حیا شخصی است برخوردار از کرامت و بزرگواری نفسانی. ناظر در حیا شخصی است که مقام و منزلت او در چشم فاعل عظیم و شایسته احترام باشد، و فعلی که رکن سوم برای تحقق حیا است، فعل ناپسند و زشت است. در نتیجه در تفاوت میان «حیا» با «خوف» و «تقوا» می توان گفت که محور بازدارندگی در حیا، ادراک حضور ناظر محترم و بلند مرتبه و حفظ حرمت و حریم او است، حال آنکه محور بازدارندگی در خوف و تقوا، درک قدرت خداوند و ترس از جوهره حیا، بازدارندگی از ارتکاب اعمال زشت است. قهراً این بازدارندگی، انجام اعمال نیک را در پی خواهد داشت.

**الف- ارزش حیا:**

رسول خدا (ص) حیا را زینت آدمی شمرده و فرموده است: «بی شرمی با هیچ چیز همراه نشد مگر این که آن رازش گردانید. و حیا با هیچ چیز همراه نگشت، مگر این که آن را آراست.» امام علی (ع) نیز فرمود: «هر که پوشش شرم گزیند کس عیب او نبیند» و در بیانی دیگر می فرماید: «حیا پیشه کن که حیا نشانه نجابت است.» امام صادق (ع) جایگاه حیا را در راس مکارم اخلاقی دانسته می فرماید:

مکارم اخلاقی یکی بسته به دیگری است، خداوند آنها را به هر که خود خواهد، دهد. ممکن است در مرد باشد و در فرزندش نباشد، در بنده باشد و در مولای او نباشد. (آنها عبارتند از راستگویی، صداقت با مردم، بخشیدن به مسکین، جبران کردن خوبی ها، امانتداری، صلح رحم، دوستی و مهربانی با همسایه و یار، میهمان نوازی و در راس همه حیا.)



## ب- اسباب و موانع حیا

۱. عقل: رسول خدا (ص) در پاسخ راهب مسیحی (شمعون بن لاوی بن یهودا) که از او در باره ماهیت و آثار عقل پرسیده بود، فرمود:

عقل موجب پیدایش حلم است و از حلم، رشد و از رشد، عفاف و از عفاف، خویشتن داری، و از خویشتن داری، حیا و از حیا وقار و از وقار، مداومت بر عمل خیر و تنفر از شر و از تنفر از شر، اطاعت نصیحت گوی، حاصل می گردد.

۲. ایمان: امام صادق (ع) می فرماید: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.»

## علل بی حیایی یا کمی حیا:

یک. از میان برداشتن پرده ها و حریم ها: امام کاظم (ع) به یاران خود توصیه می فرمود: پرده شرم و آزر میان خود و برادرت را برمدار، و مقداری از آن را باقی گذار؛ زیرا برداشتن آن، برداشتن حیا است.

دو. دست نیاز به سوی مردم دراز کردن: امان صادق (ع) فرمود: «دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، عزت را سلب می کند و حیا را می برد.»

سه. زیاد سخن گفتن: امام علی (ع) فرمود: هر که پر گفت، راه خطا بسیار پوید، و آنکه بسیار خطا کرد شرم او اندک شود، و آنکه شرم او اندک شود، پارسایی او کم گردد، و آنکه پارسایی اش اندک گردد، دلش بمیرد.

چهار. شراب خواری: به امام رضا (ع) منسوب است که در شرح علت تحریم خمر فرمود: «خداوند تعالی شراب را حرام فرمود، زیرا شراب تباهی می آورد، عقل ها را در شناخت حقایق باطل می کند و شرم و حیا را از چهره فرد می زداید.»



**د) آثار حیا:**

در روایات، آثار فراوانی اعم از دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی و نفسانی و رفتاری برای حیا بیان شده است که برخی از آنها به شرح زیر است.

۱. محبت خداوند: پیامبر اکرم(ص) فرمود: « خداوند، انسان با شرم و

حیا و پاکدامن را دوست دارد و از بی شرمی گدای سمج نفرت دارد.»

۲. عفت و پاکدامنی: امام علی (ع) می فرماید: « ثمره حیا، عفت و

پاکدامنی است. »

۳. پاک شدن گناهان: امام سجاد (ع) در این باره فرمود:

چهار چیز است که هر کس را باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک

گردد و پروردگار خود را ملاقات می کند، در حالی که خداوند - عزو

جل - از او خشنود است، هر کس به آنچه به نفع مردم بر خویشتن

قرار داده برای خدا انجام دهد و زبانش با مردم راست باشد و از

هر چه نزد خدا و نزد مردم زشت است، شرم کند و با خانواده

خود خوش رفتار باشد.

**۴. عفت**

یکی دیگر از مهم ترین صفات نفسانی بازدارنده ، عفت و پاکی است. «عفت»

در لغت به مفهوم خودداری از انجام امر قبیح و ناپسند است. در اصطلاح علم

اخلاق «عفت» عبارت است از صفتی نفسانی که از غلبه و حاکمیت شهوات بر

انسان جلوگیری می کند. مراد از شهوت، مفهوم عام آن است که شامل شهوت

شکم و خوراک، شهوت جنسی، شهوت حرف زدن و نگاه کردن و سایر غرایز

می شود. حقیقت عفت در آن است که در چگونگی برخورداری از غرایز و

شهوات همواره حاکمیت عقل و شرع جایگزین شهوات گردد. بدین ترتیب

بهره مندی از شهوات بر موازین عقلی و شرعی تنظیم شده، در آن افراط

و تفریط نخواهد بود.

**انواع عفت**

۱. عفت شکم: بهره مندی معقول و مشروع از غریزه خوردن . عفت

شکم نام دارد.

۲. عفت دامن: غریزه جنسی یکی از قوی ترین شهوات است.

بهره وری های مشروع و جلوگیری از تجاوز آن به قلمرو محرمات .

«عفت دامن» یا پاکدامنی نام دارد.



**ج- اسباب عفت:** عقل، ایمان، تقوا، حیا و مروت

**د- موانع عفت:** از موانع عمومی عفت «شرارت» و «خمود» است.

۱. شرارت: شرارت در مفهوم عام خود عبارت است از

پیروی از قوای شهوانی در آنچه طلب می کنند؛ اعم از شهوت شکم و شهوت مال دوستی و مانند آن.

۲. خمود: «خمود» در مقابل «شرارت» است؛ یعنی کوتاهی

و کاهلی در تهیه خوراک ضروری و سستی در بهره مندی لازم از غریزه جنسی، به طوری که موجب از دست دادن صحت و سلامت و ضایع شدن خانواده و انقطاع نسل گردد.

**۵. صبر:**

«صبر» در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است. در فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می کنند و باز داشتن از آنچه عقل و شرع نهی می کنند.

**الف- انواع صبر:** بر مبنای مفهوم عام و گسترده ای که برای صبر بیان شد، عالمان اخلاق از جهات مختلف انواع متعددی برای صبر بیان داشته اند که مهم ترین آنها به اختصار بیان می گردد.

۱. **از جهت مفهوم:** بر طبق تعاریف پیش گفته، گاهی مراد از

صبر، ایجاد هر نوع محدودیت در جاذبه ها و دافعه های نفسانی است که مفهومی عام است و گاهی مراد از آن صرفاً باز داشتن نفس از اظهار بی تابی و عدم رضایت نسبت به امور ناخوشایند و سختی ها است. بنابر این صبر دارای دو مفهوم است که گاهی در مفهوم خاص به کار می رود.



**۲. از جهت موضوع:**

صبر در مفهوم عام خود، از حیث موضوع دارای انواع متعددی است: گاهی صبر بر سختی‌ها و مصیبت‌ها و عدم اضطراب و پریشانی و حفظ سعه صدر در مقابل آنها است. که به آن «صبر بر مکروهات» می‌گویند و در مقابل آن «جزع» و بی‌قراری وجود دارد. نوع شایع رایج آن همین قسم است. صبر بر دشواری‌های جنگ «شجاعت» نام دارد و در مقابل آن «جبن» و ترس قرار دارد. گاهی در مقابل سرکشی و طغیان غضب و خشم است. که «حلم» و «کظم غیظ» نام دارد. گاهی صبر، در انجام عبادت است که در مقابل آن «فسق» قرار دارد و به مفهوم عدم پایبندی به عبادات شرعی است. گاهی صبر در برابر شهوت شکم و غریزه جنسی است که «عفت» نام دارد و در مقابل غریزه دنیا طلبی و زیاده خواهی است که «زهد» نام دارد و در مقابل آن «حرص» قرار می‌گیرد. گاهی نیز صبر بر کتمان اسرار است که «راز داری» نام دارد.

**۳. از جهت حکم:**

صبر به اعتبار حکم تکلیفی اش به پنج نوع تقسیم می‌شود: صبر واجب که در مقابل شهوات و گرایشهای حرام است و صبر مستحب که بر دشواری‌های انجام مستحبات، است. صبر حرام که بر بعضی آزار و اذیتها است؛ مانند صبر در مقابل تجاوز دیگران بر مال، جان و ناموس انسان. صبر در مقابل امور مکروه و ناخوشایند، مانند صبر بر سختی روزه گرفتن در روز عاشورا که مکروه می‌باشد. در غیر این موارد صبر مباح است. بنابراین این «صبر» همواره امری پسندیده نیست، بلکه گاهی حرام و مکروه هم می‌شود.



### ب- مراتب صبر:

- برخی از عالمان اخلاق و اهل معرفت برای صبر بر امور ناخوشایند (صبر خاص) سه مرتبه قائل شده اند:
۱. صبر توبه کنندگان، و آن عبارت است از ترک شکوه، بی تابی و بی قراری و رفتار غیر طبیعی و پیریشان نداشتن
  ۲. صبر زاهدان، یعنی علاوه بر مرتبه اول، بر آنچه نسبت به انسان مقدر شده از سختی ها و درد و رنج ها، رضایت قلبی داشتن
  ۳. صبر صدیقان، یعنی علاوه بر دو مرتبه قبل، نسبت به آنچه خداوند در حق انسان مقرر داشته، عشق ورزیدن و آن را دوست داشتن

### ج- ارزش صبر:

واژه «صبر» در شکل های مختلف بیش از صد بار در قرآن کریم به کار رفته است که خود به خود بیانگر اهمیت این موضوع است. قرآن کریم در بیان علت رسیدن بعضی از بنی اسرائیل به مقام امامت و هدایت مردم می فرماید:

و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند.

و در باب چگونگی پاداش صابران در آخرت، در جایی به آنها وعده پاداشی بهتر از آنچه عمل کرده اند، می دهد: «و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل کردند، پاداش خواهیم داد.» در آیات دیگر در تعیین مقدار پاداش صابران می فرماید:

آنان اند که به (پاس) آن که صبر کردند و (برای آنکه) بدی را با نیکی دفع می نمایند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند، دوباره پاداش خواهند یافت.



## د- آثار صبر:

بعضی از عالمان اخلاق صبر را دروازه ورود به مقام رضایت به مقدرات الهی و مقام رضا را باب رسیدن به وادی محبت پروردگار دانسته اند. بنابر این آثار مهم صبر در همین دنیا می توان از دستیابی به مقام «رضا» و «محبت» نام برد.